

بررسی و نقد شبهات احمد امین و رشید رضا بر مهدویت

□ حسن علی محمودی*

چکیده

مهدویت برگرفته از واژه مهدوی به معنای هدایت کننده و هدایت شده است. در فرهنگ تشیع مهدی یکی از القاب معروف امام عصر (عج) است. اعتقاد به مهدویت در اندیشه اسلامی از مسلمات و مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است. علاوه بر آن عقیده به ظهور منجی در پایان جهان در ادیان آسمانی وجود داشته و دارد. این که برخی قلم به دستان اهل سنت مانند احمد امین و رشید رضا، اعتقاد به مهدویت را ساخته و پرداخته شیعه خوانده اند، هیچگونه مدرک و سندی ارائه نداده اند، بلکه سند و مدرک برخلاف آن در تألیفات علمای اهل سنت و منابع حدیثی آن‌ها وجود دارد، به اعتراف دانشمندان این فرقه روایات مهدویت به تواتر معنوی رسیده است. انتظار فرج (ظهور مهدی عج) برای اصلاح جامعه از برترین عبادت است. اعتقاد صحیح به مهدویت هیچ‌گاه موجب ترک واجبات، و کناره‌گیری از اصلاح جامعه نمی‌شود، بلکه ثمرات و آثار مثبت فراوانی را می‌تواند داشته باشد. از جمله روح امید، تقوا، و پویایی را در انسان‌ها می‌سازد. ظهور مدعیان دروغین مهدویت از آثار سوء اعتقاد به مهدویت نیست، بلکه انحرافات است که در جامعه اسلامی به وجود آمده است. این انحرافات در صورت بیداری و هوشیاری مسلمانان هیچ‌گونه خللی در این اعتقاد وارد نمی‌سازد. راه مقابله با این گونه انحرافات تبیین اعتقاد درست از مهدویت و مبارزه خرد مندانه با این گروه است. چنانکه علمای طراز اول شیعه همچون امام خمینی ره، و دیگران با این روش، وارد عمل شده‌اند.

واژه گان کلیدی: مهدویت، مهدی، شیعه، اهل سنت، ادیان آسمانی، مدعیان دروغین.

مقدمه

از ضروری‌ترین و سازنده‌ترین مباحث به ویژه در عصر کنونی، بحث مهدویت و مسایل مربوط به آن است. هر انسانی یا ملتی که با فرهنگ مهدویت رابطه دارد، بیدار، زنده و متحرک است؛ زیرا یکی از مسایل مهم مهدویت انتظار ظهور آن حضرت است و این که جهان لذت عدل و داد رامی چشد بعد از این که از ظلم و جور به ستوه می‌آید، روح امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد؛ امیدی که موجب قیام انسان‌ها در برابر نابسامانی‌ها می‌گردد. قیامی که به رهبری عدالت‌گستر عالم، عدالت را بر جهان حاکم نموده و بساط ظلم را برخواهد چید.

یکی از مباحث مهم در عرصه مهدویت، بحث انتظار مهدی از نگاه فریقین است، زیرا این بحث می‌تواند در انسجام و وحدت اسلامی تأثیرگذار باشد. حتی اعتقاد به انتظار ظهور منجی که در همه ادیان الهی مطرح گردیده است، می‌تواند محور گفتگوی ادیان قرار بگیرد و ادیان را در پیرامون این عقیده جمع نماید که جهان سامان می‌یابد و آینده جهان رو به ناامیدی نیست و عقیده به مهدویت و منجی از ناامیدی متدینان جلوگیری می‌نماید. بنابراین عقیده به مهدویت و منجی نقطه عطفی است که ریشه در جان‌ها دارد و قادر است دل‌ها را به هم نزدیک کند.

مهدویت در اندیشه اسلامی

مهدویت در اسلام - و بالاخص در تشیع - یک فلسفه بزرگ است، اعتقاد به ظهور منجی است، نه در شعاع زندگی یک قوم و یک ملت و یا یک منطقه و یا یک نژاد بلکه در شعاع زندگی بشریت. مربوط به این نیست که یک منجی بیاید و مثلاً شیعه را یا ایران را یا آسیا را یا مسلمانان جهان را نجات دهد، مربوط به این است که یک منجی و مصلح ظهور کند و تمام اوضاع زندگی بشر را در عالم دگرگون کند و در جهت صلاح و سعادت بشر تغییر دهد. (مطهری، بی‌تا: ۳/۳۵۶)

در باره مهدویت، علما و دانشمندان اسلامی از دیدگاه و منظرهای مختلف، روایی، کلامی، و تاریخی مباحث زیادی دارند، در این زمینه کتابهای فراوانی از علمای شیعه و اهل سنت به رشته تحریر درآمده است؛ به گونه‌ای که اعتقاد به مهدویت را از مسلمات اعتقادات اسلامی معرفی می‌کنند. با وجود آن برخی از قلم به دست اهل سنت شبهاتی از جهات تاریخی، حدیثی،

وکلامی، القا نموده اند. در مقاله‌ی حاضر سه شبهه از شبهات کلامی موضوع مهدویت مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

شبهه یک) اعتقاد به مهدویت ساخته و پرداخته شیعه است.
شبهه دو) اعتقاد به مهدویت موجب پیدایش مدعیان دروغین شده است.
شبهه سه) اعتقاد به مهدویت عوارض و آثار نامطلوب در جامعه اسلامی به بار آورده است.
ضرورت ایجاب می‌کند که، برای روشن شدن بحث، و رسیدن به نتیجه صحیح، ابتدا از معنا و مفهوم مهدویت در اندیشه اسلامی سخن گفته شود.

مفهوم شناسی

مهدویت برگرفته از واژه «مهدی» است. «مهدی» به معنای هدایت کننده و هدایت یافته است، درنهایت ابن اثیر آمده است: «الْمَهْدِيُّ: الَّذِي قَدْ هَدَاهُ اللَّهُ إِلَى الْحَقِّ. مهدی در اسم و قد استعمل فی الأسماء حتی صار كالأسماء الغالبة. و به سَمَى الْمَهْدِيُّ الَّذِي بَشَّرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ يَجِيءُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ». (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۵۴/۵)
مشهورترین لقب امام زمان (عج) در اندیشه اسلامی «مهدی» است. در کتب روایی شیعه این معنا به نقل از معصومین: با بیان‌های مختلف توضیح داده شده است. از جمله در روایات ذیل چنین آمده است:

از امام باقر^۱ نقل شده که فرمود: امام زمان (عج)، «تنها به این خاطر مهدی نامیده شد که از طرف خدا به هر کار نپنهان و سری هدایت می‌شود^۱ و تورات و انجیل را از نقطه‌ای از زمین که انطاکیه (قسمتی از شام) نام دارد، خارج می‌سازد...». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۹/۵۱)
از امام صادق (ع) پرسیدند: «چرا امام دوازدهم، مهدی نامیده شده است؟» فرمود: «برای این که به تمام امور پنهان، هدایت می‌شود. (همان: ۳۰)»

امام صادق^۲ فرمود: «قائم را به دلیل مهدی نامیدند که مردم را به سوی امری که از آن گم شده اند، بر آن‌ها پوشیده است هدایت می‌کند». (بیدگلی، ۱۳۷۷: ۲۳۷)

البته لقب مهدی را بر همه امامان دوازده گانه می‌شود نسبت داد؛ چراکه همه آن‌ها از نظر هدایت‌گری مهدی هستند، از این رو اختصاص به آخرین امام ندارد. ولیکن در روایات تنها از آخرین امام به عنوان مهدی (عج) یاد شده است.

چنان‌که امام صادق^۷ فرموده است: «ما دوازده مهدی می‌باشیم» منظور از این‌که امام^۷ فرموده است. همه ما مهدی هستیم، این بود که آن‌ها خود از طرف خدا هدایت شده‌اند و هدایت‌کننده مردم به طرف حق هستند. (خدایاراد، ۱۳۸۳: ۳۸۶-۳۸۷)

این لقب از زمانی که پیامبر موضوع مهدویت را مطرح کرد، برای امام زمان (عج) به کار رفت و در کتاب‌های سنی و شیعه بیان شد. پیامبر^۹ در روایت‌های فراوانی، امام دوازدهم و نجات‌دهنده آخرین را مهدی (عج) نامیده است. (مجله انتظار جوان، ۱۳۸۹: شماره/۶۶)

بنا بر این مهدویت برگرفته از امام مهدی (عج) است. یعنی اندیشه‌ی که بر محور امام مهدی (عج) و مباحث مربوط به آن است. و از آنجا که نام آن منجی در میان مسلمانان مهدی (عج) است، این اندیشه را به اندیشه مهدویت نامیده‌اند هر چند سایر ادیان به آن اندیشه موعودگرایی می‌گویند.

به هر حال، مهدویت، یک اندیشه و تفکر برگرفته از کتاب‌های آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت موافق است.

ظهور مهدی از منظر اهل سنت

«انتظار» و ظهور حضرت مهدی (عج) از باورهای مهم غیبی و از معتقدات مسلم و قطعی هر مسلمان است. دلیل قطعی بودن مسئله، ثبوت احادیث فراوانی است که در حد تواتر معنوی است و بسیاری از علمای اهل سنت آن احادیث متواتر را نقل و روایت، و یا در تألیفی مستقل آنرا جمع‌آوری کرده‌اند؛ بنابراین مهدویت یک مسئله‌ی قطعی و مورد اتفاق فریقین است. پس انکار آن حداقل فسق و خروج از شریعت محسوب می‌گردد.

قیام حضرت مهدی (عج) از نشانه‌های بزرگ آخرالزمان است. در حدیثی که از حضرت

رسول اکرم^۹ نقل شده چنین می‌فرماید: «اگر بیش از یک روز از دنیا باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از اهل بیت من، برانگیزد و زمین را پر از عدل و داد کند هم چنان که پر از ظلم و جور شده بود.» (عظیم آبادی، ۱۴۱۵: ۳۶۹/۱۱)

شیعه و سنی در نشانه‌های ظهور مهدی، رهبریت جهانی و ویژگی‌های انقلاب ایشان، تقریباً اتفاق نظر دارند؛ و تنها خلافتی که بین ایشان وجود دارد این است که: به اعتقاد شیعیان حضرت مهدی امام دوازدهم، معصوم و فرزند محمد بن حسن عسکری^۷ است، و در سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده، و دارای غیبت صغری بوده و هم اکنون زنده و در غیبت کبری است.

اهل سنت معتقدند که: «امام منتظر» بنا به روایات مستند از خاندان رسول اکرم^۹ و ذریه امام حسن مجتبی^۷ است، لقب او مهدی، نام او محمد بن عبدالله است که برای احیای دین اسلام در نزدیکی قیامت ظهور خواهد کرد.

شیخ محمد سفارینی حنبلی متوفای ۱۱۸۸ هـ ق در منظومه‌ای به نام «الدره العنیه فی عقدالفرقه المرضیه» می‌گوید:

و ما أتی بالتص من اشراط فكله حق بلاشطاط

منها الامام الخاتم النصیح محمد المهدی و المسیح

آنچه از نشانه‌های قیامت در نص آمده، تمام آن‌ها بی‌تردید حق است، از جمله آخرین امام پندآموز، حضرت محمد مهدی، و حضرت مسیح^۷ است.

و سپس در کتاب «لوامع الأنوار البهیه و سواطع الاسرار الاثریه» شرح منظومه می‌نویسد: سخن درباره مهدی بسیار گشته تا آنجا که گفته شده هیچ مهدی نیست، مگر عیسی بن مریم، ولی اهل حق این را درست نمی‌دانند و معتقدند که مهدی غیر از عیسی است و او پیش از نزول عیسی^۷ ظهور می‌کند و درباره قیام او روایات بسیار زیاد است و به حد تواتر معنوی رسیده و در میان علمای اهل سنت رواج یافته تا این که از باورها و معتقدات آن‌ها به شمار آمده است و با بررسی مجموعه احادیث منقول، علم قطعی درباره ظهور مهدی به دست می‌آید و روی همین اصل اعتقاد به ظهور مهدی همان طور که در کتاب‌های اعتقادی اهل سنت و جماعت آمده، یکی

از واجبات است.

باوجود مدارک قطعی در منابع فریقین برخی از قلم بدستان اهل سنت (احمد امین و رشیدرضا) شبهاتی را مطرح نموده است که دراین نوشتار ملاحظه خواهید کرد.

احمد امین و رشیدرضا؟

احمد امین (۱۸۸۶-۱۹۵۴ میلادی) مورخ و نویسنده مصری است. وی پس از کسب مدرک تحصیلی علوم دینی از دانشگاه الازهر، به تدریس ادبیات عربی در دانشگاه قاهره و در همان جا به عنوان ریاست دانشکده هنر منصوب شد. او سردبیر مجلاتی چون الرساله (۱۹۳۳) و الثقافه (۱۹۳۹) بود. اشکال تراشی و شبهه افگنی او بر مهدویت، از تراوش های فکری این نویسنده است که در برخی آثارش دیده می شود. (احمد امین، ۱۳۷۲)^۲

مُستشکیل دیگری اهل سنت بر مهدویت بنام سید محمد رشید بن علی رضا است. وی مشهور به رشید رضا در ۱۲۸۲ ق، در روستای قلمون سوریه به دنیا آمد. در همانجا مقدمات علوم اسلامی را فراگرفت و مدتی شیوه زهد اختیار کرد. از کودکی و جوانی خود شعر می گفت و در برخی از جراید مقالاتی می نوشت. پس از آن به مصر سفر کرد و شاگرد شیخ محمد عبده شد. وی «مجله المنار» را برای نشر آراء و عقاید دینی و اجتماعی خود در مورد «اصلاح» انتشار داد. و اندک اندک مرجع فتوی شد. (دانشنامه رشد. مدخل: شیخ محمد رشید رضا، ۲۰۱۴)^۳

در برخی آثار این دو نویسنده باورداشت مهدویت به چالش کشیده شده و آن را ساخته و پرداخته شیعه خوانده اند. حال برای روشن شدن حقیقت این باورداشت به بررسی و نقد شبهات آنان می پردازیم.

بررسی و نقد شبهات

شبهه اول) شیعه و مهدویت

احمد امین در کتاب ضحی الاسلام برای طرح نظریه مهدویت در اسلام، با ذکر فلسفه ای سیاسی و اجتماعی ادعا می کند که تفکر مهدویت، ساخته و پرداخته شیعه است و علت طرح چنین نظریه ای، این بوده، که پس از کشته شدن حضرت علی علیه السلام و صلح امام حسن

علیه السلام با معاویه و به قدرت رسیدن بنی امیه، برای جلوگیری از ناامیدی شیعیان و با هدف ماندگاری تشیع، مسئله ظهور مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان و بازگشت قدرت به شیعیان مطرح شد. (احمد امین، بی‌تا: ۲۴۱/۳-۲۴۲)

نقد شبهه

شبهه احمد امین در این نسبت ناروا بر شیعه، از جهاتی باطل و بی اساس است:

اولاً: این ادعا تهمت آشکار بر شیعه و سنی است، به دلیل این که اهل سنت کتاب های فراوانی پیرامون مهدی نوشته اند، و بزرگان اهل سنت به این عقیده اعتراف دارند به عنوان نمونه: از جمله علمای معروف اهل سنت ابن خلدون در کتاب تاریخی خود می نویسد «اعلم أنّ فی المشهور بین الکافّه من اهل الإسلام علی ممرّ الأعصار أنّه لا بدّ فی آخر الزّمان من ظهور رجل من اهل البيت یؤید الدّین و یظهر العدل و یتبعه المسلمون و یتولّی علی الممالک الإسلامیّه و یتسمی بالمهدی» (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۸۸/۱)؛ مشهور بین تمام مسلمانان در مرور اعصار این است، که چاره ای نیست آخرالزمان از ظهور مردی از اهل بیت پیغمبر^۹ که دین را تأیید و عدل را آشکار کند و مسلمانان از او پیروی نمایند و بر کشورهای اسلامی مسلط شود و نامیده شود به مهدی.

در کتب روایی اهل سنت این روایت معروف کراً نقل شده است: «لو لم یبق من الدّهر إلا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیته یملاها عدلاً کما ملئت جوراً». (ابی داود، بی‌تا: ۳۵۴/۱۱) تا جایی که علمای اهل سنت به تواتر معنوی روایات حضرت مهدی (عج) قایل اند. بنا بر این بر هر انسان با انصافی که از احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله اندکی آگاه باشد، به نادرستی و بی اساس بودن سخنان احمد امین اعتراف می کند.

ثانیاً: اعتقاد به مهدویت از منظر شیعه نشأت گرفته از بشارت های قرآنی است، و آن این که روزی به اذن خداوند شخصی بنام «مهدی» ظهور خواهد کرد و دنیایی پر از ظلم و جور را به عدل و داد و صلح و دادگستری تبدیل خواهد نمود. به همین دلیل انتظار چنین روزی را دارند و به این انتظار، ارج می نهند و افتخار می کنند و آن را عبادت و جهاد و بلکه بهترین عبادت و جهاد می دانند. زیرا

پیامبر بزرگوار اسلام در این راستا فرموده است: «افضل جهاد امّتی انتظار الفرج»؛ بالاترین جهاد امت من انتظار فرج است. (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳) نمونه‌ی از بشارت های قرآنی در این راستا عبارت اند از:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»؛ با کافران جهاد کنید تا در زمین فتنه و فساد باقی نماند و آیین همه دین خدا گردد. (انفال: ۳۹)

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳ فتح: ۲۱)؛ اوست خدایی که رسول خود را بادی حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم اورا تسلط و برتری دهد.

قرآن کریم تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی، سلطه دین اسلام و غلبه آن بر کلیه ادیان دیگر، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت را در آیات متعدد وعده فرموده است، که بدون تردید چنین وعده‌های بدون ظهور مهدی موعود محقق نخواهد شد. علاوه بر آن در آیات ذیل همین مضمون بیان شده است: (توبه ۳۲/صف ۸، انفال ۷/انفال ۸۱/اسری ۱۰۵/انبیا ۵۵/نور، ۵۱/غافر).

علاوه بر بشارت های قرآنی مستند دیگری شیعه روایات پیامبر بزرگوار اسلام است که با عبارات مختلف موضوع مهدویت را خاطر نشان می سازد. و ظهور چنین پیشوایی در آخر زمان را بصورت گسترده بیان نموده است و به القاب مهدی و قائم آل محمد^۹ اشاره نموده است.

پیامبر اسلام^۹ فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛ اگر یک روز از دنیا باقی نماند آن روز را خداوند به اندازه طولانی قرار دهد تا اینکه مبعوث کند مردی را از من و از اهلیت من که اسم او اسم من و اسم پدر او اسم پدر من است، پرکند زمین را از قسط و عدل همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۲/۵۱)

علی^۷ به نقل از رسول خدا^۹ فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ: يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلِهِ»؛ مهدی (عج) از ما اهلیت است امر او را خداوند در یک شب اصلاح نماید. (همان: ۸۶)

ثالثاً: در این عقیده شیعه تنها نیست بلکه از مصادر معتبر تاریخ و حدیث اهل سنت استفاده می‌شود که در تمامی عصرها و دوران‌ها، این يك عقیده عمومی امت اسلام بوده است و همه به آن اتفاق داشته‌اند، لذا مدعیان دروغین مهدویت را به جهت این‌که واجد صفات و نشانی‌های مهدی موعود نیستند رد می‌کردند و هرگز در مقام رد آنها، صحّت اصل و اساس این عقیده را منکر نمی‌شدند. خلاصه اتفاق مسلمین بر اصل ظهور مهدی (عج) و بعضی از ویژه‌گی‌ها و خصوصیات او، همیشه مورد قبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت، به آن تصریح و تأکید کرده‌اند. کسانی که در تاریخ، مطالعه و پژوهش دارند، می‌دانند که ظهور مصلح منتظر و مهدی‌آل-محمد^۹ مورد اتفاق و مسلم نزد تمام مسلمین بوده است چنان‌که چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت- ابن حجرشافعی مؤلف القول المختصر، ابوالسرور احمد بن ضیاءالحنفی، محمد بن احمدمالکی و یحیی بن محمدحنبل- در جواب استفتایی، به صحّت اصل ظهور مهدی در آخرالزمان و اینکه عالم را پر از عدل و داد کند. و عیسی به آن حضرت اقتدا نماید و اوصاف دیگر آن حضرت، رسماً فتوای مستدل و قاطع داده‌اند. (متقی هندی، بی‌تا: باب ۱۳)

از آنجایی که امامت در نزد شیعه، امری، ضروری، مداوم و جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشری است لذا نمی‌توان محدودیت و پایانی برای آن قایل شد از این رو «مهدویت» تجلّی کامل الگوی «امامت» است. (فصلنامه انتظار: شماره ۱۲۸/۲)

از جهت اینکه شیعه مهدویت را جزء لاینفک زندگی بشری میدانند حتی ماربین، مستشرق معروف آلمانی در کتاب انقلاب بزرگ، براین عقیده شیعه اشاره نموده می‌گوید: از جمله مسایل اجتماعی بسیار مهم- که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه شده است- همانا اعتقاد به وجود حجّت عصر و انتظار ظهور او است. حتّی اگر آثار معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه‌ای خواهد بود که شوکت و اقتدار حکومت خود را نگاه خواهد داشت. (همان)

رابعاً: علاوه بر امت اسلامی ملل دیگر و معتقدین به ادیان معروف دنیا دراصل انتظار ظهور یک شخصیت برجسته و معنوی برای اصلاح جهان بشریت و خاتمه دادن به ظلم و جور و جنگ و فساد و نجات ضعفا و مظلومین، بامسلمانان همراه و متفقند و بشاراتی که درکتب آنها است منطبق برحضرت صاحب الزمان (عج) می شود به عنوان نمونه:

موسی بن میمون (۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م.) مشهور به «هارامبام، رئیس معنوی قوم یهود، در این باره می گوید: «هر فرد یهودی که به «ماشیح» معتقد نباشد یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی^۷ و دیگر پیامبران بنی اسرائیل است». (انجمن کلیمیان تهران، ۱۳۷۸: نشریه بینا/شماره ۴)

ایمانوئل شوخط درباره جایگاه رفیع «ماشیح» می نویسد: بر اساس عقیده هارامبام، عقل و دانش او از حضرت سلیمان بیشتر است. او از ابراهیم، اسحاق، یعقوب و دیگر پیامبران بنی اسرائیل که بعد از موسی برانگیخته شده اند، بلند مرتبه تر است. (همان)

اشمیدت در این باره می نویسد: بنا بر معارف یهود، ناجی و رهاننده ای ظهور خواهد کرد که «ماشیح صید قنو» و «ماشیح بن دئیود» نام دارد. او قوم یهود را از بردگی و آشفستگی خواهد رهانید. (شلمواشمیدت، ۱۳۵۶: ۳۶)

درمیان همه اقوام مسیحی اعتقاد به منجی مشترك است. البته در تصویر آن، اختلاف هایی میان آنها وجود دارد:

۱. بنیادگرایان که به مصونیت کتاب مقدس از هرگونه خطا و لغزش معتقد هستند، اعتقاد به رجعت حضرت عیسی^۷ را سرلوحه اعتقادات بنیادین خود قرار داده اند. (مری جوویر، ۱۳۸۱: ۲۸۲-۳۰۲)

۲. شیگرها؛ یعنی جمعیت متحد مؤمنان به رجعت مسیح، در نیمه دوم قرن هجدهم به وجود آمده اند و در انتظار بازگشت حضرت مسیح به عنوان منجی جهان به سر می برند. (همان: ۲۷۱)

۳. گروه‌های هزاره‌گرا شامل ادونیتست‌ها، شاهدان یهوه و دیسپین ساشنالیست‌ها، بر اساس اظهارات یوحنا در انتظار تأسیس یک دوره هزارساله، ثانیه شماری می‌کنند. (یوحنا، بیتا: ۸-۱/۲۰)

۴. پنجاهه‌گراها، که آن را چارلز فوکس پارهام (۱۸۷۳ - ۱۹۳۷ م.) به وجود آورده است، به رجعت قریب‌الوقوع حضرت عیسی ۷ چشم دوخته‌اند. (مری جوویر، ۱۳۸۱: ۲۸۷-۳۰۲) با توجه به مطالبی فوق‌اینکه، احمد امین «اعتقاد به مهدویت را ساخته و پرداخته شیعه قلمداد میکند» ادعای بی‌اساسی است، که بطلانش از آفتاب روشن تراست. گویا ایشان چشمش را بستیده و به کتب دانشمندان اهل سنت و کتب روایی خود شان نگاهی نداشته است. و از اعتقاد ملل دیگر نیز بی‌خبر بوده است.

در نتیجه: اعتقاد به مهدویت از نگاه تشیع ریشه قرآنی دارد. و پیامبر اسلام نیز در روایات مختلف از آن خبر داده است. و انتظار کشیدن برای چنین روزی را بالاترین عبادت به حساب آورده است. از این رو ربط دادن آن به مسایل سیاسی و حکومت معاویه و ناامیدی شیعه از حکومت، تهمت‌آمیز است ناروا و بی‌مایه. به نظر می‌رسد که احمد امین غافل از این است که با طرح چنین شبهه‌ای اظهارات دانشمندان اهل سنت و اعتقاد آنها را نیز در زمینه‌ی مهدویت زیر سؤال برده و به چالش می‌کشد. حال اینکه قبول پیامد این اشکال و شبهه افگنی برای احمد امین برخلاف اعتقاد وی نسبت به اندیشمندان اهل سنت خواهد بود.

شبهه دوم) مهدویت و مدعیان دروغین

احمد امین می‌گوید: «از آثار سوء اعتقاد به مهدویت، انقلاب‌های پیاپی در طول تاریخ مسلمانان است. در هر عصری شخص یا اشخاصی پیدا شده و با یدک کشیدن نام مهدی منتظر، مردم را به سوی خود دعوت نموده و گروهی نیز دعوت آنها را پذیرفته‌اند، و از این جهت باعث مشکلات در جامعه اسلامی شده‌اند...». (احمد امین، بیتا: ۲۴۴/۱۳)

وی اظهار می دارد: اگر شمار کسانی که در تاریخ اسلام خروج کرده و ادعای مهدویت داشته اند برشماریم و به تفصیل، قیام ها و فروپاشی های دولت اسلامی و تقسیم آن و تحلیل قوای آن ها را بیان کنیم، سخن به درازا می کشد و یک کتاب مستقل نیز برای این مهم کافی نیست. (همان)

نقد شبهه

اولاً: موضوع مورد بحث اعتقاد به مهدویت است، چنانکه بیان شد این اعتقاد ریشه فطری و قرآنی دارد، اینکه مدعیان دروغین مهدویت مشکلاتی را در جامعه مسلمین به وجود آورده اند، موضوع دیگری است، باید علل و عوامل و ریشه پیدایش این مدعیان مورد بررسی قرارگیرد، و با آن مقابله گردد. وظیفه درهمچون شرایطی این است که علما و بزرگان و قلم به-دستان اسلامی اعتقاد به مهدویت را درست تبیین کنند، و از علائم و شرایط ظهوری که در احادیث پیامبر مکرم اسلام اشاره شده است مردم را آگاه سازند، تا مردم فریب این گونه افراد دغل باز را نخورند.

ثانیاً: منطقی نیست که به خاطر یک عده منحرفین، اصل اعتقاد به مهدویت که یک اصل مسلم و انکار ناپذیر اسلامی است، زیر پا گذاشته شود. راه مقابله با این گونه انحرافها، انکار عقیده ای مسلم نیست. روشن است که، در طول تاریخ درهرزمانی مدعیان دروغین از اعتقادات مسلم مردم سوء استفاده کرده و می کنند، چنین سوء استفاده هایی مخصوص اعتقاد به مهدویت نبوده و نیست، بنا بر شواهد تاریخی مدعیان دروغین نبوت هم کم نبوده اند، آیا می توان نبوت را به خاطر مدعیان دروغین انکارکرد؟؛ و با اصل نبوت انبیاء مقابله کرد. بدون تردید جاعلان شبهه مهدویت، در رابطه بانبوت این راه راه برای مقابله با مدعیان دروغین نبوت هرگز نمی توانند تجویزکنند. به نظر می رسد این گونه افراد اغراض دیگری را دنبال می کنند.

ثالثاً: گرچه مدعیان دروغین مهدویت چند روزی جولان داده و یک عده مردم جاهل را فریب داده اند، ولی به لطف خداوند و عنایات حضرت مهدی علیه السلام و کوشش فراوان علما، مکر و حيله آنها برملا شده و از جامعه طرد شده اند.

شبهه سوم) آثار منفی اعتقاد به مهدویت

رشید رضا یکی دیگر از نویسندگان اهل سنت و برخی همفکران وی گفته اند: فکر و اندیشه مهدویت، در جهان اسلام، تبعات و آثار منفی فراوانی را از خود برجای گذاشته است. از جمله:

۱- اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و اصلاح جهان به دست ایشان، سبب شده است مسلمانان به فکر اصلاح جامعه نباشند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و در نتیجه، مجد و عظمت اسلام از میان برود. (رشیدرضا، بی‌تا: ۴۹۹/۹) زیرا؛ مسلمانان، همیشه بر ظهور مهدی تکیه کرده و گمان می کنند که مهدی، سنت های الهی را بر هم زده یا آن را تبدیل خواهد کرد؛ در حالی که سخن خداوند را که می فرماید: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فاطر: ۴۳) می خوانند. (همان: ۵۰۰/۱۹)

۲- گسترش این اندیشه میان مسلمانان، باعث سستی آنان در واجبات الهی شده است. (همان: ۳۹۳/۱۰)

۳- دربخش دیگر می گوید: اعتقاد به مهدی، باعث پیدایش فتنه های عظیمی شده است که در مناطق و زمان های مختلف، افرادی به پاخواسته و مدعی مهدویت شده اند. آنان بر اهل و نزدیکان سلطان وقت خروج کرده اند. فریب خوردگانی نیز وی را اجابت کرده، میان آن و حاکمان، جوی خون به راه افتاده است. (همان: ۵۷/۶-۵۸)

نقد شبهه

شبهه ای عدم فکر به اصلاح جامعه، متوجه شیوه عملکرد بعضی مسلمانان است که با برداشتی نادرست از «مهدویت»، به جای کوشش هرچه بیشتر برای بدست آوردن آمادگی

های لازم برای ظهور مهدی موعود (عج) از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند، چنین برداشتی در اصل اعتقاد به مهدویت که، یک عقیده مسلم اسلامی است خللی وارد نمی‌کند. زیرا روشن است که، نوع عمل کرد هر فردی مبتنی به نوع برداشتی است که از مهدویت و انتظار ظهور آن حضرت دارد. اما اینکه هرائتظاری شایسته است و مورد پذیرش یا خیر؟ باید دید که بزرگان دین و دانشمندان طراز اول شیعی چه نوع انتظاری را از مهدویت مورد تأیید قرار داده‌اند.

به طور کلی دو نوع برداشت در زمینه‌ی مهدویت وجود دارد:

نوع اول: برداشت از مهدویت و منتظرماندن برای ظهور آن حضرت ویرانگر و سکوت آفرین است که؛ در طول تاریخ طرفدارانی داشته و دارند؛ ولو در عصر کنونی با پیشرفت اسلام و علوم اسلامی و عقلانی طرفداران این باورداشت اندک باشند ولی مورد توجه ما، موجودیت این نوع برداشت از مهدویت است. عده‌ای معتقدند به اینکه ظهور آن حضرت وقتی به وقوع می‌پیوندد که ظلم و جور، فساد و تباهی در جامعه زیاد شود و طرفداران قسط و عدل و داد از بین برود آن وقت زمینه برای ظهور آن حضرت آماده می‌شود.

بنا بر این عقیده در مقابل قدرت‌های ظالم و در مقابل مدعیان دروغین نباید کاری انجام داد، باید بنشینیم و نظاره‌گر باشیم تا آن حضرت بیاید و اصلاح امور را انجام دهد. طبق این نظریه جنبش‌های اصلاحی مردود است، امر به معروف و نهی از منکر معنا ندارد، در مقابل ظلم و جور و فساد باید دست روی دست بگذاریم و سکوت کنیم، چون حرکت‌های اصلاحی مانع تعجیل ظهور آن حضرت می‌شود. اما این عقیده یگ اعتقاد انحرافی، بدون سند و مدرک قرآنی و روایی می‌باشد، لذا هیچ پایه و اساسی ندارد.

نوع دوم: اعتقاد به مهدویت که در مقابل برداشت و اعتقاد نوع اول قرار دارد، سازنده، حرکت آفرین، و مثبت است؛ و آن این است که منتظران آن حضرت مقدمات ظهور را آماده سازد و جنبش‌های اصلاحی را به وجود آورد و به نهضت و حرکت‌های اصلاحی کمک کند، برای این- که اعتقاد ما این است که انقلاب حضرت مهدی (عج) حلقه‌ای از حلقات مبارزه اهل حق با باطل است و همین مبارزات حق طلبان تداوم پیدا می‌کند و با ظهور آن حضرت به کمال می‌رسد.

بدین جهت اگر ما بخواهیم از جمله اعوان و انصار آن حضرت به حساب آییم باید آمادگی لازم را بدست آوریم؛ چنانکه در دعای عهد در فراز های این دعا این آرزو را چنین زمزمه می کنیم:

«اللهم اجعلني من اعوانه وانصاره والذابين عنه...» (شیخ عباس قمی: مفاتیح الجنان)

سهیم بودن شخص موقوف است بر این که از اهل حق باشد؛ این عقیده دارای ریشه قرآنی و روایی می باشد؛ چون ظهور آن حضرت منتهی است برای مستضعفان و بیچارگان تا این که پیشوا و مقتدا قرار گیرند و وارث و خلیفه خدا در روی زمین باشند چنانکه در قرآن کریم این معنا چنین بیان شده است: «و نريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) حدیث معروفی که می فرماید: «مَلَأَ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضِ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲/۵۱)؛ خداوند توسط آن حضرت زمین را از عدل داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است؛ شاهد این مدعا است، چون در این حدیث تکیه بر ظلم و جور شده است و سخن از گروه ظالم به میان آمده است، با وجود ظالم مظلومی باید باشد، زیرا وجود ظالم مستلزم وجود مظلوم است. پس عدّه مظلوم در جامعه و جود دارد که حضرت برای حمایت آنان قیام می کند؛ بنا بر این چراغ روشنی از حق طلبان و لو به صورت ضعیف و در نقطه محصور می درخشد نه این که همه روی زمین را اهل باطل بگیرد و ارزش های اسلامی بکلی از بین برود و آن حضرت برای گروهی از دست رفته قیام کند.

شیخ صدوق حدیثی را نقل می کند مبنی بر اینکه امر تحقق نمی پذیرد مگر این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسند.

در روایات اسلامی داریم که به محض ظهور آن حضرت گروهی زبده به او ملحق می شود و آن حضرت را یاری می کند؛ پس معلوم می شود که گروهی حق طلب و اهل ایمان وجود دارد و ارزش های اسلامی زنده است و لو به صورت یگ گروه اقلیت.

از طرفی طبق گواهی بخشی دیگری از روایات قبل از قیام آن حضرت قیام های صورت می گیرد. چنانکه بعضی علما در رابطه با بعضی دولت ها حسن ظنی داشته و زمینه ساز قیام مهدی موعود (عج) می دانستند.

پس تشکیل يك حکومت براساس قسط و عدل توسط امام عصر (عج) آرزوي منتظران آن حضرت است و در عين حال هم از حرکت هاي اصلاحي دريغ نموده و بر حسب وظيفه و انجام تکالیف الهي تلاش وجد و جهد مي نمايند؛ اين گونه برداشت از مهدويت و منتظر ماندن برای ظهور آن حضرت طبق فرموده رسول گرامی اسلام، عبادت بلکه بالاترين عبادت مي باشد. (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۸۷/۱) بنا براین اعتقاد به مهدويت، يعني انتظار حکومت عدل جهاني و تشکیل يك جامعه ايده آل و بدور از تبعيض.

بدون تردید انتظاري که مورد نظر پیامبر اسلام صلي الله عليه وآله و ديگر بزرگان ديني شيعی بوده، انتظاري نيست که در نتيجه آن عظمت اسلام بر باد رود، بلکه انتظاري است که موجب شکوفايي و بالندگي هر چه بيشتري اسلام خواهد بود.

بسياری از بزرگان، در عين قبول داشتن فکر و اندیشه مهدويت، باتلقى های ناصواب در اين رابطه، به مقابله برخاسته اند. امام خميني قدس سره از جمله اين مصلحان است که با بصيرت و فهم عميق از مفهوم انتظار و مهدويت، با طرز فکرهای غلط در رابطه با انتظار، به مبارزه علمی و عملی پرداخته است. آن بزرگوار در جایی از کتاب ولايت فقيه می گوید: براي روشن تر شدن مطلب لازم است از چگونگی انتظار و اعتقاد به آن سخن گفت.

بسياری از بزرگان، در عين قبول داشتن فکر و اندیشه مهدويت، باتلقى های ناصواب در اين رابطه، به مقابله برخاسته اند. امام خميني قدس سره از جمله اين مصلحان است که با بصيرت و فهم عميق از مفهوم انتظار و مهدويت، با طرز فکرهای غلط در رابطه با انتظار، به مبارزه علمی و عملی پرداخته است. آن بزرگوار در کتاب ولايت فقيه می گوید:

«برای روشن شدن مطلب، اين سؤال را مطرح می کنم: «از غيبت صغرا تا کنون که بيش از هزار سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال ديگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بياورد، در طول اين مدت مدید، احکام اسلام بايد زمين بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری که خواست بکند؟ اين که؟ هرج و مرج است؟ [آيا] قوانينی که پيغمبر اسلام در راه بيان و تبليغ و نشر و اجرای آن، بيست و سه سال زحمت طاقت فرسا کشيد فقط

برای مدت محدود بود؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است». (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۷)

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری رحمت الله علیه با تحلیلی جامع و زیبا از مفهوم انتظار مهدی و تقسیم آن به دو نوع انتظار سازنده و انتظار ویرانگر، در تشریح انتظار ویرانگر می نویسد:

«طبق آموزه انتظار ویرانگر، آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار [ظهور مهدی] رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد، از آستین بیرون می آید؛ علی هذا هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود. برعکس، هر گناه و فساد و هر ظلم و تبعیض و هر حق کشی و هر پلیدی ای به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند، روا است». (مطهری، ۱۳۷۹: ۵۴)

آن عالم شهید؛ در تبیین مفهوم انتظار سازنده و مثبت می فرماید:

«آن عده از آیات قرآن کریم، در جهت عکس برداشت بالا است. از این آیات استفاده می شود که ظهور مهدی موعود، حلقه ای است از حلقات مبارزه اهل حق و باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد، عملاً در گروه اهل حق باشد. از نظر روایات اسلامی، در مقدمه قیام و ظهور امام، یک سلسله قیام هایی از طرف اهل حق صورت می گیرد. آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است، نمونه ای از این سلسله قیام ها است». (همان: ۵۷-۵۸)

آن متفکر فرزانه و شهید راه حق، در نقد پاره ای از کج اندیشی ها و کژگرایی های این چنین در مفهوم انتظار، تاکید ورزیده می فرماید: «این که بعد از آن که دنیا پر از ظلم و جور شد، عدل کلی پیدا می شود، مسأله ای به وجود آورده است و آن این که: بعضی از افراد با

اتکا به همین مطلب، با هر اصلاحی مخالفند و می‌گویند: دنیا پر از ظلم و جور بشود، تا یک دفعه انقلاب گردد و پر از عدل و داد بشود، اگر ببینند یک کسی یک قدم اصلاحی برمی‌دارد، ناراحت می‌شوند، می‌گویند نباید چنین چیزی بشود، باید مرتب بدتر شود تا حضرت ظهور کند، آیا واقعا مطلب از این قرار است یا نه؟ . . . خیر، این بدون شک برخلاف یک اصل قطعی اسلامی است؛ یعنی به انتظار ظهور حضرت حجت، هیچ تکلیفی از ما ساقط نمی‌شود، نه تکلیف فردی و نه تکلیف اجتماعی. شما یک عالم پیدا نمی‌کنید که بگوید انتظار ظهور حضرت حجت یک تکلیف کوچک را از ما ساقط می‌کند، هیچ تکلیفی را از ما ساقط نمی‌کند». (همان: ۵۸-۵۹)

بنابراین اعتقاد صحیح به مهدویت نه تنها باعث خمودگی جامعه و عدم فکر برای اصلاح جامعه میشود، بلکه برعکس موجب تلاش، حرکت برای اصلاح جامعه را این اعتقاد در دلها زنده می‌سازد. از این رو اشکال رشید رضا و همفکران وی، مردود است و یا برکسانی که اعتقاد انحرافی بر مهدویت دارند وارد است.

به عبارت دیگر اگر تحلیلی درست از اعتقاد به مهدویت ارائه شود، نه تنها این اعتقاد، مایه‌ی رکود و سکون نخواهد شد، بلکه باعث امید، نشاط و پوییش خواهد بود. نباید کوتاهی‌ها و تقصیرهای مسلمانان در انجام وظایف الهی و اسلامی را نادیده گرفته و آن را با اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسأله مهدویت مرتبط دانست و همه تقصیرها را متوجه این فکر کرد. آری، باید مشکل را در جای دیگر حل کرد.

امادرمورد اینکه اعتقاد به مهدویت باعث سستی در واجبات شده است و یا عده‌ای با سوء استفاده از ظهور مهدی (عج) به دروغ ادعای مهدویت میکنند و یا کرده اند و فتنه ایجاد میکنند، قبلاً هم اشاره شد، باید مسایل مهدویت درست در جامعه بین مسلمانان تبیین شود تا فریب مدعیین دروغین مهدویت را نخورند، انکار اصل مهدویت به خاطر سوء استفاده عده منحرفین کار ناصواب، خطای بزرگ و خلاف مستندات اسلامی و باورداشت قطعی مسلمان و ادیان الهی در باره مهدویت و ظهور منجی است.

آثار مثبت اعتقاد به مهدویت

شکی نیست که اعتقاد به مهدویت دارای آموزه های فراوانی است که اگر برداشت درستی از آن داشته باشیم، ثمراتش در سالم سازی جامعه اسلامی، و در ایجاد تحرک و نشاط و پرخاشگری در مقابل حکومت های زر، و زور، به بار می نشیند. آموزه های که از اعتقاد و برداشت صحیح از مهدویت و مفهوم انتظار به دست می آید زیاد است. اکنون براساس ظرفیت محدود این مقاله به نمونه هایی اشاره می شود:

۱) امید وار بودن به آینده جهان

در لغت عرب به جای کلمه امید رجاء و گاهی امل استعمال می شود، مراد از آن گمانی است که اقتضاء می کند حصول چیزی را که در آن مسرت و خوشحالی است. (راغب، ۱۴۲۷: ۳۴۶)

در اصطلاح تربیتی امید در مقابل یأس و نا امیدی قرار دارد و به نوعی با انتظار از حیث معنا مترادف اند، و مراد از آن چشم داشت به یک تحول، چشم داشت يك روي داد خوب، چشم داشت يك گشایشی است، (شفیعی، ۱۳۸۷: ۵) که در آینده توقع می رود. به بیان دیگر انتظار یا امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتي جز سکون، رکود، مرگ و تباهي نخواهد داشت، از همین روست که در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام صلي الله عليه وآله آمده است:

«الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ وَالِدَةٌ وَ لَدَهَا وَ لَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجْرًا»؛

امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادري فرزندی را شیر نمی داد و هیچ باغباني درختي نمی کاشت. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۷۳/۷۷)

همچنین حکایت شده است که: روزي عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل زمینی را شیار می کرد، عیسی فرمود: بار خدایا! امید (آرزو) را از او بگیر. آن پیر دردم، بیل را به کناری انداخت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی گفت: بار خدایا! امید را به او بازگردان؛ بی درنگ آن پیر برخاست و شروع به کار کرد. (ورام، ۱۴۱۰: ۲۷۲/۱)

یکی از آموزه های مهدوی امیداست. ما، انسان‌ها، منتظر تحقق ارزش‌ها هستیم، ولی به طور فردی و به طور نوعی، آن‌ها را نمی‌بینیم؛ یعنی، نوع انسان متعارف، در تحقق این‌ها در زندگی جمعی، شکست خورده است. حال آیا باید انسان، دچار یأس شود و خود را ببازد؟ انتظار مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه، پیام امید است و به بشر سرخورده، امید می‌بخشد و می‌گوید، روزی، یک مرد الهی، آن‌چه را آرزوی تو است، یقیناً، برآورده خواهد کرد.

اگر ما خودمان را در این شرایط ببینیم و تصوّر کنیم که منتظر دادگستر و عدل گستر جهان هستیم، برای برپایی آن اهداف تلاش خواهیم کرد. اگر امید نباشد، انسان، دچار افسردگی خواهد شد. اگر باور داشته باشیم جهان آینده، به دست نا اهلان اداره خواهد شد، احساس ناامیدی و خطر خواهیم کرد.

بنا براین، اعتقاد به مصلح جهانی، از نظر روانی برای جامعه‌ی بشری، ارزش عظیم و فراوان دارد؛ زیرا، اگر ناامیدی و یأس، در فردی و جامعه‌ی مستولی شود، سعادت و خوش‌بختی آن فرد و جامعه، در معرض سقوط حتمی قرار خواهد گرفت. در مقابل امید به آینده جهان که، از معرفت و شناخت صحیح، نسبت به مهدویت و انتظار حاصل می‌شود، اساس همه تلاش‌های مفید و پرثمر انسانی و اصلاح امور در جامعه را به ارمغان می‌آورد.

۲) حرکت و پویایی

به فرموده صافی گلپایگانی: «حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نمی‌شوند؛ انتظار علت حرکت و تحریک‌بخش است. آنچه مورد انتظار است، هر چه مقدّس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش نیز ارزنده‌تر و مقدّس‌تر خواهد بود و ارزش مردم را باید از انتظاری که دارند شناخت. اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی‌لذت و بی‌معنی است. انتظار است که زندگی را لذت‌بخش و باروح و بامعنی می‌سازد و شخص را به زندگی علاقه‌مند می‌نماید.» (صافی، ۱۳۹۷: ۵۲)

شهید مطهری در رابطه با حرکت می گوید: «الحركة کمال اول لما بالقوه من حیث إنه بالقوه». ماهیت حرکت این است که وقتی شیء می خواهد يك کمال ثانوی پیدا کند حرکت، کمال اول آن کمال ثانوی است، یعنی حرکت طلب و تلاش به سوی يك مطلوب است. (مطهری، بی تا: ۱۲۶/۱۱)

با توجه به مطالب فوق به این نتیجه می رسیم که اعتقاد به مهدویت و انتظار، شاخصه ها و علامت های دارد که تحرک و پویایی یکی از مهمترین ویژگی های آن است. بنابراین اعتقاد صحیح از مهدویت، دست روی گذاشتن نیست، بلکه تلاش کردن، حرکت کردن، و گام برداشتن در جهت زمینه سازی امر فرج است.

۳) ورع و تقوا

اصلاح نفس و ترک گناهان و آراستن به فضایل اخلاقی در همه احوال ضرورت دارد. ولی خودسازی و اصلاح نفس در دوره غیبت، که زمینه لغزش و انحراف و آلوده گشتن به رذایل اخلاقی بیشتر است، از اهمیت زیادی برخوردار است.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند: «صاحب الامر علیه السلام غیبتی خواهد داشت اگر کسی در آن دوره بخوهد دیندار بماند، سخت در مشقت خواهد بود. بنده خالص خدا در آن شرایط باید تقوای الهی پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبد». (حرعاملی، ۱۴۲۵: ۴۲۲/۳)

به علاوه، چون فراهم شدن زمینه ظهور امام زمان علیه السلام، وابسته به وجود افراد خودساخته و آراسته به فضایل اخلاقی است. از این رو، جز از طریق تهذیب نفس و پیدا کردن پرورش اسلامی نمی توان در سلک یاران و زمینه سازان حضور آن حضرت قرار گرفت. بنا براین، یکی از آموزه های اعتقاد صحیح به مهدویت، تلاش در راه خودسازی و تهذیب نفس است. چنانکه، امام صادق علیه السلام می فرمایند: «من سره ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق»؛ هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام

باشد باید در انتظار ظهور آن حضرت باشد و در این حال، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

در توقیعی که امام زمان علیه السلام آن را به مرحوم شیخ مفید نوشته‌اند چنین آمده است: اعمال ناشایست و گناہانی که از شیعیان سر می‌زند، یکی از عوامل طولانی شدن دوره غیبت و محرومیت آنها از دیدار امام^۷ است. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۹۹/۲)

نتیجه گیری

از مباحث انجام شده در تحقیق حاضر به نتایج ذیل می‌رسیم:

۱- اعتقاد به مهدویت ساخته و پرداخته شیعه نیست و چنین نسبتی به شیعه نسبتی ناروا، و هیچ سندی و مدرکی به نفع جاعلان شبهه وجود ندارد، بلکه برخلاف آن با تکیه با کتب روایی و مستندات متقن دانشمندان اهل سنت این اعتقاد را از اصول مسلم اسلامی می‌دانند، در اصل چنین اعتقادی هیچ‌گونه اختلافی وجود ندارد. تنها اختلافی که باشیعه دارند در مهدویت نوعی و شخصی است. که در جای خودش باید بحث شود.

۲- ظهور به نجات دهنده بشریت از بی‌عدالتی و ظلم و اجحاف یک عقیده جهانی است که در باورهای معتقدین به آئین آسمانی وجود دارد. پیرو هر مکتبی طبق بینش و جهان بینی که دارند به مهدویت می‌نگرند و انتظار می‌کشند، در اسلام به ویژه در جامعه تشیع این انتظار به‌گونه جدی مطرح است، براساس باورداشت معتقدین به مکتب تشیع روزی از سلاله پاک رسول خدا^۹ که بنام مهدی موعود (عج) است ظهور خواهد کرد، که براساس روایات از رسول خدا (ص) انتظار کشیدن و منتظر ماندن برای چنین روزی بالاترین عبادت است. و شناخت آن حضرت واجب و نجات از مرگ جاهلیت به حساب می‌آید.

۳- اعتقاد به مهدویت دارای آثار و فواید فراوانی است، اگر این آموزه‌ها به صورت درست تفهیم گردد، و از آسیب‌ها و آفت‌های برداشت غلط از مهدویت که نتیجه اش انتظار ویرانگر و گمراه کننده است حفظ شود. در تربیت فردی و اجتماعی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی، اخلاقی ثمربخش است.

پی نوشت

۱ - فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى لِأُمِّرٍ خَفِيٍّ .

۲ - <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

۳ - <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

کتابنامه

- ابن اثیر جزری، ، النهایه فی غریب الحدیث، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالفکر، دوم، ۱۹۸۸/۱۴۰۸.
- ابی داود، سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- احمد امین، فیض الخاطر، بیروت: دارالشروق، ۱۳۷۲ ق
- احمد امین، ضحی الاسلام، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا.
- امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۹ ش.
- انجمن کلیمیان تهران، نشریه بینا، سال اول، مرداد - شهریور ۱۳۷۸، ش ۴.
- بیدگلی، حسین کریم شاهی، فرهنگ موعود، قم، ناصر، ۱۳۷۷ ش.
- حرانی، حسن، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- حراملی، محمدبن حسن، اثابه الهداه بانصوص والمعجزات، بیروت، اعلامی، اول، ۱۴۲۵ ق.
- خدا مراد، سلیمان، فرهنگ نامه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، مرکز تخصصی مهدویت، اول، ۱۳۸۳ ش.
- دانشنامه رشد. مدخل: شیخ محمد رشید رضا. ژوئن ۲۰۱۴
- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۷ ق.
- رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، دوم، بیتا.
- رضامهیاری، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵ ش.
- شبلنجی مصری، سید مؤمن، نور الابصار فی مناقب ال بیت النبی المختار، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار بایدها و نبایدها، تهران، موعود عصر (عج)، ۱۳۸۷ ش.
- شلمو اشمیدت، واژه‌های فرهنگ یهود، تل آوی، بنیاد یادبود فرهنگ یهود، ۱۹۷۷-۱۳۵۶، مترجمین/جمعی از نویسندگان.
- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۹۵ ق.

- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان
- صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، قم، انتشارات حضرت معصومه (س)، سوم، ۱۳۷۸ ش.
- صافی گلپایگانی، انتظارعامل مقاومت و حرکت، تهران، بنیاد بعثت، دوم، ۱۳۶۵ ش.
- طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ ق.
- عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبودفی شرح سنن ابی داود، بیروت، دارالکتب العلمیه، دوم، ۱۴۱۵ ق.
- فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۲۸ (مقاله انتظار و انقلاب)
- قندروزی، شیخ سلیمان حسین بلخی، ینابیع الموده، استانبول، اختر، ۱۳۰۱ هـ.ق.
- کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا، بی نا، بی تا.
- گلدزیهر، اگناس، العقیده و الشریعه فی الاسلام به ترجمه هیئت مصری، مصر، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۷۸ هـ.ق.
- متقی هندی، حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، منشورات شرکه الرضوان.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- مجله انتظار جوان، دیماه سال ۱۳۸۹، شماره ۶۶.
- مری جوویور، درآمدی به مسیحیت، دانشگاه ادیان ومذاهب، ۱۳۸۱ ش.
- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (امدادهای غیبی درزندگی بشر)، تهران، انتشارات صدرا.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبه للنعمانی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ورام، ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، قم، مکتبه فقیه، اول، ۱۴۱۰ ق.

